



آنها مرگ را سرودی کردند!

هر تابستان خاطره کشتار زندانیان سیاسی در سال ۶۷ اذهان همه کمونیستها و آزادیخواهان و همه کسانی که قلبشان برای آزادی می تپد و یا در جریان این کشتارها عزیز یا عزیزانی را از دست داده اند با برجستگی هر چه بیشتری به این امر مشغول می شود. در جریان قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ که در واقع نقطه اوج کشتار های دهه ۶۰ بود هزاران کمونیست و آزادیخواه و کسانی که به خاطر اعتقاداتشان دستگیر شده بودند به دست دژخیمان جمهوری اسلامی اعدام شدند. اعدام زندانیان

سیاسی که بسیاری شان قبلاً در بیدادگاه های خود رژیم محکوم شده و دوران زندان خود را می گذراندند، یکی از آخرین ضربات بزرگ این جنایتکاران به مبارزات مردم ما در آن دهه بود. با چنین جنایت مهلکی، ضد انقلاب حاکم کوشید تا در شرایط خاتمه جنگ با عراق و چشم انداز شورشی توده ای، نسلی از کادرها و رهبران انقلابی توده ها را به طور فیزیکی نابود و از صحنه مبارزه خارج کند. در واقع دارو دسته خمینی از همان روز اول به قدرت رسیدنشان توسط امپریالیستها مأموریت و هدفی جز سرکوب انقلاب سال ۵۷ نداشتند و اساساً به همین خاطر به قدرت رانده شده بودند. به همین دلیل هم سردمداران مرتجع جمهوری اسلامی از روز اول گام به گام در جهت رسیدن به این هدف حرکت نمودند تا سرانجام قدرت و امکان آن را یافتند که جهت سرکوب قطعی باقی مانده دستاوردهای قیام بهمن حمله نهائی خود را به مردم انقلابی ایران سازمان دهند که کشتار دهه ۶۰ نمودار بارز آن می باشد. یورش سراسری و سیستماتیک جمهوری اسلامی به توده ها با فجایعی که در ۳۰ خرداد شکل دادند آغاز گشت و دستاوردهای قیام که یکی یکی در اینجا و آنجا پس گرفته شده بود بطور قطعی و سراسری در آن مقطع مورد هجوم قرار گرفت. کارگران و زحمتکشان و سازمانهای سیاسی وحشیانه مورد تعرض نیروهای سرکوب قرار گرفتند؛ هزاران نفر دستگیر شدند و زندانها از کمونیستها و آزادیخواهان پر شد. از همان ۳۰ خرداد ماشین اعدام در زندانهای رژیم به راه افتاد و پیر و جوان و نوجوان دسته دسته اعدام شدند و دستگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی هر روز اسامی آنها را در روز نامه های خود درج نمودند. سران و دست اندکاران رژیم که بسیاری از آنها امروز نام اصلاح طلب و اصول گرا و غیره روی خود گذاشته اند در آن روزها برای ایجاد رعب و وحشت در میان مردم نه فقط جنایات خود را از مردم پنهان نکرده و آنها را به معرض نمایش عموم می گذاشتند بلکه علناً در مورد آنها و شدت دژخیمی خود نیز صحبت می کردند. در جریان کشتارهای دهه ۶۰ جان به در بردگان از این کشتار سراسری که به مثابه زندانیان سیاسی در سیاهچالهای جمهوری اسلامی به سر می بردند اکثراً در قتل عام سال ۶۷ به دار آویخته شدند. کشتار های دهه ۶۰ گرچه افشاگر چهره دمنشان حاکم بود و هست اما زخمی بزرگ بر جان و روان بازماندگان این جنایت و همه آزادیخواهان این سرزمین باقی گذارد که تا امروز هم علیرغم همه دسیسه ها و ترفندهای سرکوبگران حاکم جهت پرده پوشی آن و پاشیدن گرد فراموشی بر آن، تداوم داشته و فراموش نشده و نخواهد شد.

تجلیل از شهدا و تأکید بر ادامه راهشان همواره جایگاهی بزرگ در جنبش انقلابی مردم ما داشته که همواره از طرف نیروهای چپ چه با برگزاری جلسات سخنرانی، نمایش عکس در خیابانها و غیره انجام می شود. در سالهای گذشته دشمن به شکل های گوناگون علیه این رسم انقلابی لشکر کشی نموده و از طریق قلم به مزدانی که او را یاری می دادند سعی در بی اهمیت جلوه دادن مراسم نیروهای چپ داشتند تا به هر ترتیبی مانع از گرمای داشت خاطره آن عزیزان گردند. یک روز مدعی می شدند که مراسم های بزرگداشت جانبازان "تکراری" و "خسته کننده" شده است روز بعد آنها را به مراسم "عزاداری" تشبیه کرده و گرامیداشت شهدا را الهام گرفته از "فرهنگ مذهبی" جار می زدند و یا می گفتند که اساساً مردم ما مردمی "مرده پرست" هستند، که خصوصیتی مذموم و غیر متمدنانه! و باقی مانده از عهد عتیق! می باشد؛ و همه این اراجیف گفته و پخش می شد تا راه فراموشی جنایات رژیم و سرانجام چشم پوشی از مجازات جلاخان هموار گردد.

اما علیرغم همه این سم پاشی ها و برغم همه ترفند های دشمن، نه خانواده آن عزیزان و نه یاران و دوستدارانشان لحظه ای از بزرگداشت آنها باز نماندند. و خاوران ها هرگز علیرغم همه سرکوبها و بگیر و ببندها، از دسته های بی شمار گل، بر مزار گلها خالی نماند. به همین دلیل وابستگان به جبهه استثمارگران نا امید و ورشکسته از تلاش های خود برای پرده کشیدن بر جنایات جمهوری اسلامی در دهه ۶۰ و از بین بردن خاطره مبارزات انقلابی و آزادیخواهانه زندانیان سیاسی شهید در آن دهه، امروز از در دیگری وارد شده و با کمک نیروهای سازشکار درون خلق (در ایران تریبونال) خود را حامی عزیزان ما جلوه می دهند. در این راه همه تلاش آنان این است که بتوانند ضمن ظاهراً دلسوزی نسبت به شهدای مردم مبارز ایران و برگزاری مراسم سالگرد برای آنان همراه با محکوم کردن جنایات جمهوری اسلامی در دهه ۶۰ (و البته فقط در آن دهه) آرمان ها و خواسته های مبارزاتی زندانیان سیاسی قتل عام شده را خدشه دار کنند. آنها به واقع با سوء استفاده از خون جان باختگان خلق ما می کوشند خود را مطرح و به ترویج ایده ها و نظرات ضد انقلابی - و یا در رابطه با نیروهای کمکی آنها در صف مردم به پخش نظرات سازشکارانه- خویش بپردازند.

اما، یکی از دلائل شکست دشمن و همه کسانی که در جبهه او می سرودند و هیزم به آتش کارزار ضد مردمی او در رابطه با مراسم های نیروهای چپ می ریختند عدم درک این واقعیت بود که اولاً مردگان آن دهه "عا شق ترین زندگان بودند" که برایشان نفس مرگ مهم نبود بلکه مهم این بود که مرگ آنها چه تاثیری بر زندگی دیگران بگذارد؛ و در ثانی وقتی که مردم ما خاطره آنها را پاس می دارند در واقع از زندگانی مملو از مبارزه انقلابی و

آزادیخواهانه آن رزمندگان و استقامت و پایداریشان در مصاف با دشمن تجلیل می کنند. برای نمونه وقتی که چریکهای فدائی یاد و خاطره هادی کابلی ها، سیما دریائی ها، مجدحسین خادمی ها، مهناز نجاری ها، مهدی مسیحا ها، اسمر آذری ها، نوروز قاسمی ها، بهروز کتابی ها، فرشید راجی ها، حمید فولادپور ها، موسی آباد ها، طاهره قاسمی ها، روح انگیز دهقانی ها و صدها فدائی دیگر را پاس می دارند در واقع از راه مبارزاتی و خصال انقلابی آنها، از گذشتهها و فداکاری هایشان، از عشق و صمیمیت شان به توده ها یاد می کنند؛ از مقاومتشان در مقابل دشمن درس می گیرند و پیگیریهایشان در مبارزه با دشمن برای برقراری آزادی و برابری و سوسیالیسم را پاس می دارند؛ و در حقیقت از زندگی آنها تجلیل می کنند و از مبارزاتشان الهام می گیرند. از زندگی کسانی یاد می کنند که "به چرا مرگ خویش آگاهان" بودند. مبارزینی که شیوه مرگشان خود جلوه بارزی از زندگی شان بود. آنهایی که "مرگ را سرودی کردند" که سراسر این "فلات خونین" را در نوردید و فریادی شد که هنوز هم در طنین است: **"نه فراموش می کنیم و نه می بخشیم، به آتش می کشیم بساط دار و شکنجه را!"**

در سالگرد این جنایت بزرگ یاد و راه عزیزانمان، جانباختگان کشتار دهه ۶۰ و قتل عام سال ۶۷ را با ادامه راه و آرمانهای سترگشان پاس داریم. نگذاریم که دشمن و جماعت یأس پرستان با پخش بذرها ناامیدی و تسلیم، پایداری در راه مبارزه و آرمانهای آن شیر زنان و کوه مردان را خدشه دار کنند. کوشش و پیگیری در راه تحقق آرمانهای آن عزیزان و پاسداری از امر انقلاب بر علیه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و تمام دار و دسته های درونیش بزرگترین وظیفه ما در سالگرد این جنایت بزرگ است. شهدای ما پرچم ما هستند بکشیم با ادامه راهشان جهت نابودی نظام ظالمانه سرمایه داری حاکم بر ایران، این پرچم رهایی بخش را در اهتزاز نگاه داریم.

جاودان باد خاطره تمامی کمونیستها و آزادیخواهانی که در کشتار دهه ۶۰ و قتل عام سال ۶۷ توسط جمهوری اسلامی اعدام شدند!
نه فراموش می کنیم و نه می بخشیم، به آتش می کشیم بساط دار و شکنجه را!
جمهوری اسلامی با هر جناح دسته نابود باید گردد!
زنده باد انقلاب!

چریکهای فدائی خلق ایران
شهریور ۱۳۹۳